

استدلال‌های قرآنی امام رضا(ع) در مناظرات

احمد عدالتیان ا پس از آنکه مأمون، حضرت امام رضا(ع) را به خراسان آورد، مجالس مناظره‌ای تشکیل می‌داد و علمای مختلف را برای بحث با امام دعوت می‌کرد. امام رضا(ع) در مناظره با این علما از آیات قرآن استفاده می‌کردند؛ مخصوصاً در مواردی که بحث از عترت و اهل بیت پیامبر(ص) بود. در یکی از این مجالس و در مناظره با علمای عراق و خراسان، امام رضا(ع) برای اثبات برتری عترت پیامبر اسلام بر امت ایشان، به آیه ۲۶ سوره حدید استناد کردند که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوءَ وَ الْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُنْتَبِهٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ همانا نوح و ابراهیم را فرستادیم و در نسل و خاندان آن‌ها نبوت و کتاب را قرار دادیم، پس بعضی از آن‌ها هدایت یافتند، ولی بسیاری از آن‌ها فاسق‌اند.» در آیه قبل از این، سخن از فرستادن انبیا به‌طور کلی است و در این آیه دو نمونه از الگوهایی که سرسلسله پیامبران بعد از خود هستند، بیان می‌شود تا اثبات شود که خداوند، امامت را در نسل و ذریه پیامبر قرار می‌دهد؛ زیرا طهارت باطن و توان و استعداد لازم، به فرزندان و نسل منتقل می‌شود و در صورتی که شرایط فراهم باشد، فرزندان به مقام نبوت یا امامت می‌رسند، البته قرار داشتن در نسل و ذریه پا کان، دلیل پایی نیست و هنگامی که حضرت ابراهیم(ع) مقام امامت را برای فرزندان‌ش طلب کرد، خداوند پاسخ داد که عهد امامت من به ناهلان از نسل تو نمی‌رسد. پس معیار اصلی برای انتصاب پیامبر یا امام، اهلیت و صلاحیت است. نه وراثت، اما باید دانست که مقام نبوت و امامت، به انتصاب الهی است و امام رضا(ع) با استفاده از این آیه نشان می‌دهند که امامت در نسل پیامبر اسلام(ص) قرار داشته است.

حکمت

کتابی برای انسان سرگشته امروز

محمد جواد علیپور ا کتاب رَیْکُم فِیکُم مُّتَبِئًا خِلَالَهُ وَ خِرَامَهُ وَ فِرَاقَهُ وَ فِضَائِلُهُ وَ نَاسِغَهُ وَ مَشْوَخَهُ وَ رُخْصَهُ وَ عَزَائِلُهُ وَ خَاضَهُ وَ غَاغَهُ وَ عِزَّهُ وَ اَمْنَالَهُ وَ مُزْمَلَهُ وَ مَخْذُودَهُ وَ مُخْغَمَهُ وَ مُتَشَابِهَهُ مُفْتَبِرًا...

چه زیباست که پای صحبت امیر مؤمنان (ع) نشستیم؛ ام، حضرت برایمان از نخستین روزهای خلقت می‌گوید و امروز به کتاب شریف قرآن رسیده است. در میان انبوهی از مکاتب و ایده‌ها، شنیدن کلامی که از عمق تاریخ، راه‌ستگاری را نشان می‌دهد، نه تنها دلنشین، بلکه حیات‌بخش است. امیر مؤمنان، علی (ع)، در خطبه‌ای روشنگر، ما را به سوی «کتاب پروردگارتان که در میان شماست» رهنمون می‌سازد و از آن به‌مثابه نقشه‌راهی بی‌بدیل پرده برمی‌دارد.

حضرت در توصیفی جامع و دقیق، قرآن را کتابی معرفی می‌کند که هیچ نقطه کوری برای جوینده حقیقت در آن باقی نگذاشته است. ایشان با برشمردن ویژگی‌های قرآن، ساختار هدایتگری آن را تشریح می‌کنند: حلال و حرامش پیداست، واجبات و مستحباتش هویدا، و ناسخ و منسوخش روشن. این بدان معناست که انسان در مسیر بندگی، با متنی سروکار دارد که اصول و فروع زندگی فردی و اجتماعی را به‌وضوح تبیین کرده است.

نکته شگرف در این کلام، اشاره به طبقه‌بندی احکام و معارف قرآن است؛ از «خاص و عام» و «محکم و متشابه» گرفته تا «مجمملش که تفسیر شده» و «نامفهومش که تعبیر گشته»، همگی نشان از آن دارد که این کتاب آسمانی برای همه سطوح مخاطبان، از عامی تا عالم، پیام و پند خود را دارد. حضرت حتی فراتر رفته و از ظرافت‌های احکام می‌گویند؛ از آنچه انجاش واجب است و در قرآن معین شده، تا حکمی که وجوبش در سنت تأکید شده اما کتاب رخصت ترکش را داده است. این نگاه، دین‌رانه مجموعه‌ای از باید و نباید‌های صلب، که برنامه‌ای منعطف و متناسب با ظرفیت‌های انسان معرفی می‌کند.

اما اوج این روایت آنجاست که حضرت به سراغ گناهان و بازدارنده‌ها می‌روند و از «حرام‌هایی ناهمسان» با کیفری آسان یا سخت پرده برمی‌دارند؛ گناهی بزرگ که کبفرش آتش است و گناهی خرد که برای توبه‌کننده، امید غفران می‌رود. این تقسیم‌بندی هوشمندانه، دریچه امید را روی انسان گنهگار هرگز نمی‌بندد و او را میان بیم و امید، به تعادل می‌رساند. کلام امیرالمؤمنین دعوتی است دوباره به بازگشت به این «کتاب مبین»؛ کتابی که نه فقط برای آن روزگار، که امروز نیز می‌تواند با تبیین مرزهای حلال و حرام و ترسیم راه‌ستگاری، چراغ راه بشر سرگشته باشد. باشد که پای صحبت این امام همام نشستن، سراغازی برای فهم و انس دوباره ما با قرآن شود.

احکام

«زبان حال» در مرثیه‌سرایی اهل‌بیت(ع)

سمانه رضوانی؛ یکی از پرسش‌های رایج در حوزه شعر و مرثیه‌سرایی برای اهل بیت (علیهم‌السلام)، چگونگی استفاده از «زبان حال» است؛ یعنی بیان سخنانی که خود معصوم(ع) آن‌ها را بر زبان نیاورده، اما حالات درونی یا موقعیت ایشان، آن تعبیرات را اقتضا می‌کند. از آنجا که این شیوه در مداحی و روضه بسیار به کار می‌رود، تشخیص حدّ مجاز آن از نگاه فقهی، ضرورتی انکارناپذیر است. در ادامه، نظر برخی از مراجع بزرگوار تقلید را در این باره با هم مرور می‌کنیم:

شهید آیت‌ا... العظمی سید علی خامنه‌ای؛

اگر معلوم باشد که زبان حال را بیان می‌کند و مناسب با شأن اهل بیت(ع) باشد، مانع ندارد.

آیت‌ا... العظمی مکارم شیرازی؛

منظور از زبان حال آن است که حالت آن بزرگواران چنین تعبیراتی را اقتضا می‌کند و این کار به دو شرط جایز است؛ نخست اینکه، واقعا این سخنان مناسب چنان حالتی باشد و دیگر اینکه، معلوم باشد که زبان حال است نه زبان قال.

آیت‌ا... العظمی سیستانی؛

زبان حال به صورت شعر یا نثر، چنانچه منافی با شأن و مقام معصوم نبوده و متناسب با اقتضای حال آن معصوم باشد و زبان حال بودن آن – هر چند با قرائن و شواهد – معلوم باشد، اشکال ندارد.

آیت‌ا... العظمی شبیری زنجانی؛

خواندن زبان حال در مجالس عزاداری فی حد نفسه اشکال ندارد. اما باید دقت نمود که از حقیقت خارج نشده و مقام و منزلت اهل بیت(ع) رعایت شود. چنان‌که در موارد غیرجزمی به‌گونه‌ای مطرح شود که مخاطب، احتمالی بودن مطلب را درک کند.

بررسی چگونگی رقم خوردن غدیر دوم توسط امام هشتم (ع) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین حامد کاشانی

امام رضا(ع)، ما را سر سفره ولایت و امامت نشاندد

گفت‌وگو

آمنه‌مستقیم؛ اینکه شیعه، به‌ویژه در ایران، حیات و بقای خود را مدیون مجاهدت‌های حضرت علی بن موسی الرضا(ع) می‌داند، تعارفی نیست که از سر عشق و علاقه بیان شده باشد؛ واقعیتی است که تاریخ به آن معترف است. این واقعه از فرصت‌سازی «عالم آل رسول(ص)» برای تبیین ولایت و امامت، آن هم در دل تهدیدات بنی عباس، پرده برمی‌دارد. در آستانه سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، با حجت‌الاسلام والمسلمین حامد کاشانی، استاد تاریخ اسلام و کارشناس مذهبی، درباره مجاهدت‌های «خورشید هشتم» گفت‌وگو کرده‌ایم.

تبدیل تهدید به فرصت

در دوران امامت بابرکت امام رضا(ع)، شرایط سیاسی به‌گونه‌ای پیش رفت که حضرت با ولایتعهدی اجباری، فرصت تبیین امامت را یافتند و بهترین بهره را از آن بردند. یکی از دلایل مأمون برای انتخاب ثامن‌الائمه(ع) به ولایتعهدی، فشار بر بنی عباس بود، چرا که آن‌ها وی را به دلیل مادر ایرانی‌اش به رسمیت نمی‌شناختند. مأمون با انتصاب امام رضا(ع) به ولایتعهدی، فضا را به سمتی برد که بنی عباس بدانند اگر با او همراه نشوند، باید پس از وی، خلافت را به ولیعهدش، امام رضا(ع) و بنی‌هاشم، واگذار کنند.

از جایگاه امامت پرده‌برداری کردند

نیزنگ مأمون کار ساز شد. اما او پس از آن با مشکل بزرگ‌تری مواجه بود، وجود مقدس امام رضا(ع) که در میان مردم نفوذ خاصی داشت و او نمی‌دانست چطور باید مانع این نفوذ شود! خلیفه عباسی برای کاهش این نفوذ و با هدف تخریب شخصیت و جایگاه علمی عالم آل رسول(ص)، جلسات مناظره حضرت با بزرگان ادیان و مکاتب را ترتیب داد. از همین جا بود که «غدیر دوم» ائمه(ع) رسماً رقم خورد و از جایگاه امامت و شئونات آن به‌طور علنی پرده‌برداری شد.

خود را خرج تبلیغ ولایت کردند

حضرت ثامن الحجج(ع) شخصیت خود را خرج اثبات و تبلیغ ولایت علی بن ابیطالب(ع) کردند. چرا که بعد از غدیر در سال ۱۰ هجری و رحلت پیامبر(ص) و آن اتفاقاتی که رخ داد، به دلیل خفقال و فشار شدید دیگر امکان طرح رسمی امامت به‌صورت علنی و عمومی در بین اقشار جامعه وجود نداشت و دیگر در انظار عمومی امامت ائمه(ع) مطرح نمی‌شد و این محدودیت و ممنوعیت حرف و سخن از امامت به اندازه‌ای بود که حتی برخی شیعیان تعداد امامان(ع) را نمی‌دانستند!

ایده‌ای که امروز در عربستان تدریس می‌شود

کتاب شریف «عیون اخبار الرضا(ع)» به خوبی بیان می‌کند که حضرت ثامن‌الائمه(ع) چگونه آرام و در آن فضای حساس، امامت را مطرح کردند، البته چون ایشان از جایگاه حقوقی ولیعهد صحبت می‌کردند، نمی‌توانستند خیلی صریح هر مسئله‌ای را مطرح کنند؛ برای همین ابتدا به معرفی مقام امام پرداختند. چون بعد از رحلت پیامبر(ص)، جامعه اسلامی امام هادی و هدایتگر را نمی‌شناخت و دستگاه رسانه‌ای خلافت این طور القا می‌کرد که هر کسی زورش رسید حاکم است ولو فاجرت‌رین و فاسق‌ترین فرد روی زمین باشد! این همان ایده‌ای است که امروز در عربستان هم تدریس می‌شود که اگر قاتل اولیای الهی و فاسق‌ترین آدم روی زمین زورش رسید و حاکم شد وظیفه شرعی همه اطاعت از او است. همین ایده یزید و ولید اموی را امیرالمؤمنین کرد و کسانی را بر نیم‌بیامبر(ص) نشانده که در حوض شراب شنا می‌کردند!

غدیر دوم در کجا رقم خورد؟

از مهم‌ترین مواضع تبیین شأن و جایگاه امامت توسط حضرت ثامن الحجج(ع)، در مسیر هجرت و حضور در شهر نیشابور بود که امام(ع) در جمع هزاران نفر روایت معروف سلسله‌الذهب را ایراد و در آن فضای خاص رسانه‌ای خود (امام) را شرط تحدید معرفی کردند و این همان غدیر دوم بود! موضع دیگر مناظرات مربوط به امامت بود که صریح‌تر و در فضای عمومی مباحث را تبیین کردند.

استفاده از رسانه حاکمیت به نفع امام رضا(ع)

در فضای رسانه‌ای و تربیون جریان حاکم و در خانه دشمن و در فضای رسمی که همه اقشار مناظرات و بیانات حضرت ثامن الحجج(ع) را رصد می‌کردند، علم تبیین جایگاه امامت را برافراشتند؛ ایشان با رعایت احتیاط اینکه طرح مباحث مرتبط به امامت سبب تفرقه نشود، فرمودند: «برای امام علامانی است؛ امام داناترین، حکیم‌ترین، باتقواترین، بردبارترین، شجاع‌ترین، سخی‌ترین و عابدترین مردم است، مطهر است، به پشت سرش احاطه دارد...».

در جامعه زلزله فکری ایجاد کردند

وقتی حضرت علی بن موسی الرضا(ع) اوصاف امام را معرفی کردند، ذهن مردم به سمت یافتن این خصایص در خلفایی همچون یزید، ولید، مروان و خلفای عباسی رفت و شروع به جست‌وجو کردند و چون آن‌ها را فاقد این ویژگی‌ها می‌یافتند این سؤال در ذهنشان شکل می‌گرفت که امام رضا(ع) از چه کسی سخن می‌گویند و امروز امام کیست؟ قبلاً امام چه کسی بوده است؟ بعد از پیامبر(ص) چه کسانی چنین ویژگی‌هایی را داشتند؟... امام رضا(ع) این چنین در فضای فکری جامعه نسبت به شخصیت و جایگاه امامت زلزله ایجاد کردند.

دشمنی‌ها یا تبیین امام علیی شد

نتیجه روشنگری‌ها و تبیین امام رضا(ع) درباره جایگاه و مقام امامت آن بود که می‌بینیم سران و پیروان فرق برای ائمه قبل از حضرت ثامن الحجج(ع) احترام بیشتری قائل بودند اما از زمان امام رضا(ع) و نیز امامان بعد از ایشان، توهین و دشمنی به ائمه(ع) صریح‌تر و بیشتر می‌شود؛ به عبارت دیگر هر چه روشنگری بیشتر، جسارت و دشمنی هم بیشتر، برای مثال حتی برخی علمای طراز اولی از غیرشیعه که تصریح کرده‌اند هر جا مشکلی داشتیم نزد قبر مطهر علی بن موسی الرضا(ع) رفته و متوسل می‌شدیم و پاسخ می‌گرفتیم، باز در کتب رجالی به ساحت ایشان و فرزندان جواد الائمه(ع) جسارت کردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حامد کاشانی؛
خلیفه عباسی برای کاهش نفوذ امام(ع) و با هدف تخریب شخصیت و جایگاه علمی عالم آل رسول(ص)، جلسات مناظره حضرت با بزرگان ادیان و مکاتب را ترتیب داد. از همین جا بود که، «غدیر دوم، ائمه(ع) رسماً رقم خورد و از جایگاه امامت و شئونات آن به‌طور علنی پرده‌برداری شد

ضرورت تشکر از مردم در حدیث امام رضا(ع)



عقلو هیت علیی دانشگاه فردوسی مشهد

مصدر رضا

نورانی

کسی که اهل تشکر از مردم و خدمات و اقدامات و کمک‌های ارزشمن‌اند آن‌ها نیست از خداوند بزرگ در لطف و نعمت‌های بی‌پایان او تشکر نکرده است و کسی که شکر خداوند متعال را بیجا نیابد گمراه و منحرف است. بنابراین شکر و سپاسگزاری تکلیف انسان‌هاست هم در برابر خالق و هم در برابر مخلوق. فردی که از مردم در پاسخ لطف و احسان و خدمت آن‌ها تشکر نمی‌کند طریق تشکر الهی را رعایت نکرده است. به بیان امام رضا علیه‌السلام خدای متعال خود از ما خواسته است که از کسانی که به ما احسان و کمکی کرده‌اند سپاسگزاری کنیم و به تشکر از خدا بسنده نکنیم. درست است که اصل همه نعمت‌هایی که انسان‌ها برای هم می‌ورند از خداوند است نباید با این تصور و تصدیق فقط به شکر خدا اکتفا نموده و بگوییم گرچه فلانی به ما نعمتی عطا کرده است اما عطاکننده حقیقی خدا بوده و خداوند به او قدرت اعطا داده است پس شکر خدا کافی است. لازم است از واسطه نعمت که مخلوق خداوند است نیز تشکر شود که بدون آن تشکر از خداند تحقق پیدا نکرده است. عمار دهنی گفته است



ویژه ایام شهادت

ظرف فکری جامعه را تکان دادند

امام رضا(ع) ظرف فکری جامعه را تکان دادند، ایشان فرمودند: «امامت قدرش جلیل‌تر و عظیم‌تر از آن است که به هر کسی برسد و جایگاهش بالاتر است.» لذا کسی با کودتا به آن دست نمی‌یابد. در میانه طرح بحث حقوقی امامت، حضرت(ع) می‌فرمایند: «امامت، جایگاه انبیای خدا و خلافت خدا است.» و یک باره ورق را برگردانده و می‌فرمایند: «این‌ها که گفتیم مقام امیرالمؤمنین(ع) و میراث حسن(ع) و حسین(ع) است...» یعنی امروز هم ادامه دارد و این چنین خیلی از اتفاقات گذشته را هم معنا کردند.

مناسک غدیر یادگار امام رضا(ع) است

تبیین از مقام امامت صرفاً کار نظری امام رضا(ع) نبود، بلکه ایشان در عمل هم غدیر را به صورت آداب و مناسک گرامی می‌داشتند و برای تبیین جایگاه امامت مناسک‌سازی کردند، ایشان عید غدیر را به طور رسمی جشن می‌گرفتند. در این روز به دیگران هدیه می‌دادند و دیگران را به لبخند زدن، هدیه دادن به هم، اطعام دیگران و شعر سرودن در مدح امیرالمومنین(ع) توصیه و ترغیب می‌کردند. این مناسک باعث می‌شود تا همه مردم عملاً به صحنه بیایند و معلوم شود امام و خلیفه مسلمین کیست. لذا آنچه‌را که درباره غدیر می‌دانیم و به جا می‌آوریم سر سفره امام رضا(ع) یاد گرفته‌ایم.



خدا سیاست‌گذاری کرده از کسانی مانند پدر و مادر و برادر و خواهر و دوست و معلم و همسایه و سایر افرادی که به او نیکی کرده‌اند تشکر نکند، ملازمه میان تشکر مخلوق و خالق را دوگونه می‌توان تفسیر کرد، یکی اینکه ترک شکرگزاری مخلوق نشانه ذات ناسپاس شخص است در این صورت در برابر خالق هم شکرگزاری نخواهد کرد به‌ویژه اینکه نعمت‌های خداوند به دلیل گستردگی آن‌ها ممکن است به چشم نیاید. دیگر اینکه مخلوق واسطه‌ای برای انتقال نعمت خدا به بندگان است و شکرگزاری نکردن از واسطه نعمت به شکرگزاری نکردن از خالق منتهی می‌گردد. بی‌شک شکرگزاری از انسان‌ها نشانه ادب و وظیفه است. در ادبیات عامیانه و برخی کتاب‌ها حدیث شکر خدا و مردم به این صورت درآمده است: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ». این عبارت در میان روایات شیعه وجود ندارد اما حدیث رضی مذکور و روایات با‌مضمون مشابه وجود دارد و شایسته است گویندگان و نویسندگان در هنگام تشکر از دیگران متن حدیث امام رضا علیه‌السلام را به کار ببرند. شکر نعمت‌های دیگران حداقل به تشکر زبانی و لفظی و گفتاری و کلامی و اشاره‌ای است اما شکر عملی و رفتاری و نعمت رساندن به دیگران نیز لازم است.